

سیاست کیفری ایران در سلامت پیمان‌ها و قراردادهای دولتی

عباس فرزادنیا^۱

چکیده

حجم بالای معاملات دولتی در ایران، سبب گردیده معاملات موصوف، یکی از نقاط آسیب‌پذیر و جرم‌خیز در نظام اداری ایران باشد. همین آسیب‌پذیری، سبب گردیده در ایران قوانین کیفری متعددی پیرامون معاملات دولتی تصویب، تا از این طریق، اشخاصی که در معاملات دولتی نظیر مناقصه‌ها و مزایده‌های دولتی، مرتکب جرم شده و از این طریق ضرری را متوجه دولت نمایند، مورد تعقیب کیفری قرار گیرند. متأسفانه وجود قوانین و آیین‌نامه‌های مالی و معاملاتی ناهمگون و پراکنده که معمولاً بر اساس خواست و تمایل دستگاه‌های اجرایی مختلف و در راستای منافع سازمانی خاص این دستگاه‌ها تصویب شده‌اند و عدم وجود قوانین جامع مالی و معاملاتی به‌ویژه در بخش مزایده‌ها سبب بی‌اثر شدن قوانین کیفری حاکم بر این معاملات گردیده است.

نباید از ناکارآمدی قوانین کیفری موجود از جمله ماده واحده‌ی قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی مصوب ۱۳۴۸ که هیچ‌گونه تناسب و سنخیتی با تحولات صورت گرفته در نظام مالی ایران ندارد، غفلت کرد. با توجه به این که ایران اسلامی در حال توسعه تلقی می‌شود و در مسیر مزبور، پیمان‌ها و قراردادهای دولتی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی هستند که مورد توجه‌اند، و در جهت اجرای آن‌ها جرایم و تخلفات فوق‌الذکر به وقوع می‌پیوندد، بنابراین رویکرد حقوق کیفری و محاکم قضایی به این موضوع بسیار حائز اهمیت است، که در این تحقیق، رویکرد مزبور مشخص خواهد شد.

کلمات کلیدی: سیاست کیفری، جرم، مجازات، پیمان، قرارداد، دولت

۱- کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی و قاضی دادسرای عمومی و انقلاب استان تهران

E-mail: ab_farzadnia@yahoo.com

مقدمه

از زمانی که فعالیت‌های مربوط به تدارک کالاها و خدمات عمومی به عنوان یکی از حوزه‌های بالقوه‌ی فساد شناخته شد، بسیاری از کشورها با جدیت شروع به توسعه و تقویت چارچوب‌های کیفری موجود حاکم بر تأمین کالا و خدمات عمومی کردند، و اقدامات لازم را جهت تسهیل برخورد با این مفاسد در محاکم قضایی به عمل آوردند. در کشورهای در حال توسعه که دولت نقش گسترده‌ای در شئون مختلف کشور اعم از تصدی‌های اجتماعی و اقتصادی و ... دارد، معاملات دولتی، حجم زیادی از معاملات کشورهای مزبور را تشکیل می‌دهند و همین مساله ایجاب می‌نماید که قانون‌گذاران چنین کشورهایی، علاوه بر در نظر گرفتن تدابیر و کنترل‌های لازم، بر حمایت کیفری این گونه معاملات تأکید و تصریح نمایند. یکی از این تدابیر، تلاش در جهت جلوگیری از ایجاد جرم در معاملات دولتی است. جرایم موجود در پیمان‌ها و قراردادهای دولتی، سازمان‌ها و صاحبان پروژه‌ها را با خطراتی مواجه می‌سازد. سوء جریانات در مراحل مختلف اجرایی از جمله برنامه‌ریزی، طراحی و اجرای مناقصه، اجرای پروژه، راه‌اندازی و نگهداری طرح رخ می‌دهند، و تحقق یک گروه از جرایم از جمله ارتشاء، اختلاس، تصرف غیرقانونی، مداخله‌ی کارکنان دولت در معاملات دولتی و دریافت رشوه را متصور می‌نمایند. در این مرحله دخالت حقوق کیفری برای برخورد با این جرایم اجتناب‌ناپذیر است؛ موضوعات مزبور در تحقیق حاضر، پیرامون کشورمان مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱- طرح مسئله

دستگاه‌های اجرایی کشور، طی هر سال مالی، اقدام به انجام معاملات متعدد اعم از خرید کالا یا خدمات، فروش کالاهای مستعمل، اجاره، پیمانکاری، اجرت کار و ... می‌نمایند، که بیشتر این معاملات بنابر ماده‌ی ۷۹ قانون محاسبات عمومی و آیین‌نامه‌ی معاملات دولتی، از طریق مناقصه یا مزایده انجام شده و بدین ترتیب، بخش قابل توجهی از بودجه‌ی دولت، در فرآیند مناقصه قرار می‌گیرد. از این رو، افزایش ضریب سلامت نظام معاملات دولتی، کاهش هزینه‌ها، ایجاد رقابت سالم جهت اجرای طرح‌های دولت ضروری است. این ضرورت پس از صدور فرمان ۸ ماده‌ای مقام معظم رهبری مبنی بر شناسایی بخش‌های آسیب‌پذیر، هر چه بیشتر مد نظر قرار گرفت.

۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

در شرایط فعلی به دلیل کاستی در قوانین و مقررات و ضعف دستگاه‌ها در شناخت اصول ظریف پیمان‌ها و قراردادها، مشکلات متعددی در هزینه کرد اعتبارات دولتی توسط دستگاه‌های اجرایی

حادث شده است؛ مثلاً با توجه به گسترش مبادلات اقتصادی و نیاز دستگاه‌های دولتی به خرید کالاها و اقلام داخلی و خارجی مورد نیاز خود، مأمورانی برای خرید، وارد عرصه‌ی بازار تجاری می‌شوند و بالطبع، فروشندگان در بازار رقابت برای فروش بیشتر، ناگزیر برای تطمیع کارپردازان و پرداخت درصدی از مبلغ معامله، قصد می‌نمایند اقدام به فروش بیشتر کالای خود کنند. چنانچه کارگزار دولتی با دریافت این مبلغ که اغلب باعث خریدهای نامرغوب و یا اجناس با قیمت بیشتری می‌گردد، اغوا شوند، زمینه‌ی ارتکاب جرم را فراهم خواهد آورد که توسط قانون‌گذار ایران جرم‌انگاری شده و مجازات‌هایی برای آن پیش‌بینی شده، که شناخت استراتژی قانون‌گذار و محاکم قضایی در خصوص موضوعات مشابه، بسیار ضروری و با اهمیت است.

۳- سئوالات اصلی تحقیق

۱- خلاءهای موجود که موجب عدم موفقیت حقوق کیفری ایران در برخورد با مجرمان مرتبط با قراردادهای دولتی شده، چیست؟

۲- عمده‌ترین ضرورت در شرایط فعلی پیرامون جرایم مندرج در حقوق کیفری ایران و مجازات‌های مرتبط با پیمان‌ها و قراردادها کدام است؟

۴- فرضیه‌ها

۱- ضعف قوانین و مقررات موجود، موجب عدم برخورد دقیق با مجرمان و گریز آن‌ها از مجازات و چنگال عدالت شده است.

۲- ایجاد تناسب میان جرایم مربوط به پیمان‌ها و قراردادهای دولتی و مجازات‌ها و اصلاح قوانین کیفری در شرایط فعلی، از ضروریات می‌باشد.

۵- روش تحقیق

در این تحقیق سعی می‌گردد بعضی از جرایم که در جریان پیمان‌ها و قراردادهای دولتی شکل می‌گیرد، معرفی و عناصر آن‌ها مورد بحث و بررسی قرار گیرد، و جامعه‌ی هدف که بیشتر مدیران پایه و میانی، قضات و عوامل نظارتی‌اند، با آسیب‌های پیمان‌ها و قراردادهای دولتی و نقایص قانونی آن‌ها آشنا گردند.

۶- اهداف و کاربردهای مورد انتظار از تحقیق

در این تحقیق، تصویری شفاف از سیاست کیفری ایران و نحوه‌ی عملکرد محاکم در خصوص معاملات دولتی ارائه خواهد شد، به‌نحوی که الزاماتی را مشخص می‌نماید تا با توجه به آن‌ها، مقنن نسبت به تصویب و تدوین قوانین کارآمد و قوه‌ی قضاییه نسبت به آموزش اصول و فنون فنی و عمرانی

به قضات محترم و قوهی مجریه، مسئولیت‌پذیری لازمه را در بخش اجرای پیمان‌ها و پروژه‌های دولتی، اعمال نمایند، تا سالیانه میلیاردها تومان خسارت به دلیل ارتکاب جرایم توسط دستگاه‌های اجرایی به‌عنوان کارفرما به دولت وارد نگردد.

فصل اول؛ مداخله‌ی کارمندان دولت در معاملات کشوری و لشکری

در هر جامعه‌ای، مجموعه‌ای از شرایط، موقعیت‌ها و... وجود دارد، که اشخاص واجد آن شرایط و موقعیت‌ها، بیش از دیگران امکان انجام اعمال مجرمانه را پیدا می‌کنند، و قانون‌گذار آیندنگر و تیزبین با درک شرایط مزبور، باید در از بین بردن چنین زمینه‌هایی، سعی نماید. در مجموعه قوانین کیفری هر کشور و حکومتی از جمله ایران، چنین قوانینی تصویب می‌گردد. قوانین مزبور قبل از این که ناظر به مرحله‌ی پس از ارتکاب جرم باشند، بیشتر واجد خصیصه‌ی پیشگیرانه‌اند. یکی از این قوانین، ممنوعیت کارکنان دولت از مداخله در معاملات دولتی یا داوری در دعاوی دولت می‌باشد. معاملات دولتی بویژه در کشورهای توسعه‌نیافته و یا در حال توسعه که دولت مداخله‌ی مستقیم در امر تصدی‌های اقتصادی دارد، به لحاظ کمیت و کیفیت، از سطح بالایی برخوردار بوده، و از این حیث، صحت برگزاری آن‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است.

تمرکز اداری، سیستمی است که در آن حق تصمیم‌گیری و اداره‌ی امور ملی و محلی در انحصار دولت مرکزی است؛ یعنی نهادها و مقامات عالی کشور که در مرکز مستقر هستند، عهده‌دار امور ملی و محلی کشور هستند.^۱ در صورت مجاز بودن مداخله‌ی کارکنان دولت در معاملات دولتی، کارکنان مذکور به لحاظ ارتباطی که با دولت و احیاناً اطلاعاتی که از کم و کیف معاملات مذکور دارند، و به لحاظ احتمال سوءاستفاده از مقام و موقعیت اداری خود، ممکن است به صحت انجام این معاملات خلل وارد نمایند. بر همین اساس، در ایران، همانند بسیاری از کشورهای دیگر، لایحه‌ی قانونی راجع به منع مداخله وزرا و نمایندگان مجلسین و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری در تاریخ ۱۳۳۷/۱۰/۲۲ به تصویب رسیده است.

مبحث اول: عنصر قانونی

براساس ماده یک قانون فوق‌الذکر بعضی از اشخاص نمی‌توانند (اعم از این که در مقابل خدمتی که انجام می‌دهند حقوق یا مالی دریافت دارند و یا آن که خدمت را به طور افتخاری و رایگان انجام دهند) در معاملات یا داوری در دعاوی با دولت یا مجلسین یا شهرداری‌ها یا دستگاه‌های وابسته به آن‌ها و یا مؤسسات مذکور در بند ۴ و ۶ این ماده شرکت نماید اعم از اینکه دعاوی مزبور در مراجع قانونی مطرح شده یا نشده است (به استثنای معاملاتی که قبل از تصویب این قانون قرارداد آن منعقد

۱- امامی، محمد، حقوق اداری، جلد اول، بنیاد حقوقی میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۷، تهران، ص ۵۵.

شده باشد).

این اشخاص عبارتند از:

- ۱- نخست وزیر، وزیران، معاونین و نمایندگان مجلس؛
 - ۲- سفر، استانداران، فرمانداران کل، شهرداران و نمایندگان انجمن شهر؛
 - ۳- کارمندان و صاحب منصبان کشوری و لشکری و شهرداری‌ها و دستگاه‌های وابسته به آن‌ها؛
 - ۴- کارکنان هر سازمان یا بنگاه یا شرکت یا بانک یا هر مؤسسه‌ی دیگر که اکثریت سهام یا اکثریت منافع یا مدیریت یا اداره کردن یا نظارت آن متعلق به دولت یا شهرداری یا دستگاه‌های وابسته به آن‌ها باشد.
 - ۵- اشخاصی که به نحوی از انحاء از خزانه‌ی دولت یا مجلسین یا مؤسسات مذکور در بالا حقوق یا مقرری یا حق الزحمه یا پاداش یا امثال آن به طور مستمر (به استثنای حقوق بازنشستگی و وظیفه و مستمری قانونی) دریافت می‌دارند؛
 - ۶- مدیران و کارکنان بنگاه‌های خیریه‌ای که از دولت یا شهرداری‌ها کمک مستمر دریافت می‌دارند؛
 - ۷- شرکت و مؤسساتی که پنج درصد یا بیشتر سهام یا سرمایه یا منافع آن متعلق به یک نفر از اشخاص مذکور در فوق یا بیست درصد یا بیشتر سهام یا سرمایه یا منافع آن متعلق به چند نفر از اشخاص مذکور در فوق باشد، و یا این که نظارت یا مدیریت و یا اداره و یا بازرسی مؤسسات مذکور با آن‌ها باشد (به استثنای شرکت‌ها و مؤسساتی که تعداد صاحبان سهام آن یکصد و پنجاه نفر و یا بیشتر باشد، مشروط بر این که هیچ یک از اشخاص مذکور در فوق بیش از پنج درصد از کل سهام آن رانداشته، و نظارت یا مدیریت یا اداره و یا بازرسی آن با اشخاص مذکور در فوق نباشد).
 - ۸- شرکت‌هایی که اکثریت سهام یا سرمایه یا منافع آن‌ها متعلق به شرکت‌های مندرج در بند ۷ باشد. براساس تبصره‌ی یک، پدر و مادر و برادر و خواهر و زن و یا شوهر و اولاد بلافصل و عروس و داماد اشخاص مندرج در این قانون، همچنین شرکت‌ها و مؤسساتی که اقربای فوق‌الذکر به نحو مندرج در بند ۷ و ۸ در آن سهم یا دارای سمت باشند، نمی‌توانند با وزار تخانه‌ها، بانک‌ها، شهرداری‌ها، سازمان‌ها و یا سایر مؤسسات مذکور در این قانون که این اشخاص (اشخاص مندرج در ردیف‌های هشتم تا دهم) در آن سمت وزارت و یا معاونت و یا مدیریت دارند، وارد معامله یا داوری شوند.
- مطابق تبصره‌ی دو، شرکت‌های تعاونی کارمندان مؤسسات مذکور در این ماده در امور مربوط به تعاونی از مقررات این قانون مستثنی خواهند بود. براساس تبصره سه معاملات مندرج در ماده‌ی مزبور عبارت است از:

- ۱- مقاطعه کاری (به استثنای معاملات محصولات کشاورزی ولو آن که از طریق مقاطعه انجام شود)؛
 - ۲- حق العمل کاری؛
 - ۳- اکتشاف و استخراج و بهره برداری (به استثنای معادن طبقه‌ی اول مندرج در قانون و همچنین نمک طعام که معادن مذکور در ملک شخصی آنها واقع است)؛
 - ۴- قرارداد نقشه برداری و نقشه کشی و نظارت در اجرای آن؛
 - ۵- قرارداد و مطالعات و مشاوران فنی، مالی و حقوقی؛
 - ۶- شرکت در مزایده و مناقصه؛
 - ۷- خرید و فروش هایی که باید طبق قانون محاسبات عمومی یا مناقصه و یا مزایده انجام شود، هر چند به موجب قوانین دیگر از مناقصه و مزایده استثنا شده باشد.
- بر اساس تبصره‌ی چهارم، معاملات و اجناس و کالاهای انحصاری دولت و امور مطبوعاتی دولت و شهرداری‌ها از موضوع این ماده، مستثنی است.
- بر اساس ماده‌ی دوم این قانون، اشخاصی که برخلاف مقررات ماده‌ی فوق شخصاً یا به نام و یا واسطه‌ی اشخاص دیگر مبادرت به انجام معامله نمایند و یا به عنوان داوری در دعاوی فوق‌الاشعار شرکت کنند، همچنین هر یک از مستخدمین دولتی (اعم از کشوری و لشکری) و سایر اشخاص مذکور در ماده فوق در هر رتبه و درجه و مقامی که باشند، هر گاه برخلاف مقررات این قانون عمل نمایند، به حبس جنایی درجه‌ی دو از دو تا چهار سال محکوم خواهند شد؛ همچنین مجازات برای مسئولین شرکت‌ها و مؤسسات مذکور در بند ۷ و ۸ ماده‌ی اول که با علم و اطلاع، بستگی و ارتباط خود و یا شرکارا در موقع تنظیم قرارداد و انجام معامله، اظهار نمایند نیز مقرر است، و معاملات مزبور باطل بوده، و متخلف شخصاً و در صورت تعدد، متضامناً مسئول پرداخت خسارت ناشی از آن معامله یا داوری و ابطال آن می‌باشد.
- به استناد تبصره‌ی ذیل ماده‌ی دوم، کارمندان مشمول ماده‌ی اول که بر اثر اجرای این قانون قادر به ادامه‌ی خدمت دولتی نباشند، بازنشسته محسوب، و در صورتی که مشمول مقررات بازنشستگی نباشند، کسور بازنشستگی پرداختی دفعتاً واحده به آنان پرداخت می‌شود.
- مبحث دوم، مجازات
- قانون‌گذار در ماده ۲ لایحه‌ی قانونی، برای مرتکبین این جرم (خواه کارکنانی که برخلاف قانون در معاملات دولتی شرکت می‌نمایند و خواه کارکنانی که با علم و اطلاع اقدام به انعقاد قرارداد با این گونه افراد می‌نمایند)، مجازات حبس جنایی درجه‌ی دو، از دو تا چهار سال تعیین نموده است.

از نظر مدنی، چون چنین معامله‌ای فاقد شرایط صحت معامله می‌باشد، باطل تلقی شده و متخلف شخصاً و در صورت تعدد، متضامناً مسئول پرداخت خسارات ناشی از آن معامله (یا داوری) و ابطال آن می‌باشد.

بر اساس تبصره‌ی ۱ ماده‌ی دوم لایحه‌ی قانونی: «کارمندان مشمول ماده‌ی اول که بر اثر اجرای این قانون مایل به ادامه‌ی خدمت دولتی نباشند، بازنشسته محسوب و در صورتی که مشمول مقررات بازنشستگی نباشند، کسور بازنشستگی پرداختی و دفعاتاً واحده به آنان پرداخت می‌شود». بر اساس مواد ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷ و ۷۹ قانون استخدام کشوری، کارکنان دولت بر اساس دو عامل سن و سابقه، خدمت می‌توانند بازنشسته گردند. در تبصره‌ی یک ماده ۷۴ همین مآخذ آمده است که در مشاغل غیر تخصصی، کلیه‌ی وزارتخانه‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و ... می‌توانند مستخدمین رسمی یا ثابت یا دارای عناوین مشابه را بر اساس درخواست کتبی آنان و موافقت بالاترین مقام دستگاه اجرایی مشروط به آن که بیش از ۲۰ سال سابقه خدمت داشته باشند، بازنشسته و در صورتی که سابقه‌ی خدمت آنان کمتر از بیست سال باشد، باز خرید نمایند. در مشاغل تخصصی، طبق تبصره‌ی ۲ همین مآخذ، عمل می‌شود.

فصل دوم؛ اخذ پورسانت بر اساس قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات

خارجی مصوب سال ۱۳۷۲

یکی از مسایل مرسوم و معمول در معاملات داخلی و خارجی، دریافت و پرداخت چیزی تحت عنوان «پورسانت» می‌باشد. همان‌طور که در قسمت اصطلاحات بیان گردید، قانون‌گذار ایران بانادیده انگاشتن نقش این اشخاص و بی‌توجهی به معمول و مرسوم بودن دریافت و پرداخت پورسانت، اقدام به جرم‌شناختن آن نموده است. موضوعی که نه تنها در عمل هیچگونه توفیقی نداشته، بلکه راه را برای مخفی‌کاری و دریافت پورسانت‌های گزاف و زیرزمینی، باز نموده است. از همه‌ی این ایرادات که بگذریم، نمی‌توان به سادگی از حکم قانون‌گذار مبنی بر دریافت و واریز پورسانت‌های احتمالی به حساب خزانه، گذر نمود.

همان‌طور که در قسمت مفاهیم بیان گردید، پورسانت، در لغت به معنای درصد است که از کلمه‌ی فرانسوی POURCENT گرفته شده است. CENT یک صدم، و منظور از اخذ پورسانت در این قانون آن است که در معاملات خارجی قوای سه‌گانه، توسط کارمندان دولت، درصد از طرف خارجی گرفته شود.

قبول به معنای دریافت و تحویل گرفتن است، و صرف اعلام قبولی برای دریافت وجه یا مال، قبول

محسوب نمی‌گردد، بلکه باید این قبولی به فعلیت در آید. لازم نیست پرداخت‌کننده پورسانت حتماً طرف معامله با دولت ایران باشد، بلکه چنانچه طرف معامله با ایران یک شرکت خارجی باشد و طرف ایرانی از دولت متبوع آن شرکت وجهی قبول کند، پورسانت تلقی و از لحاظ جزایی مشمول این قانون است.

در متن ماده‌ی واحده، اشاره به شخصیت اداری دریافت‌کننده‌ی پورسانت نشده، و اطلاق ماده‌ی واحده شامل غیر کارمندان نیز می‌باشد، ولی به نظر می‌رسد قانون‌گذار در مقام ممنوع کردن کارگزاران دولتی از دریافت پورسانت بوده است. از طرف دیگر، معنادار طرف معامله با خارجی یک مرجع دولتی باشد، ولی شخص عادی، پورسانت دریافت نماید. مرسوم است که مسئولین دولتی برای آشنایی با خصوصیات شرکت خارجی و تولیدات آن، قبل از انجام معامله یا خرید، با مسافرت به خارج از کشور و بازدید از آن شرکت، ارزیابی لازم را به عمل آورند، و در این بازدیدها، از طرف مسئولین شرکت، هدایایی به آن‌ها تقدیم می‌گردد. چون این هدایا در ارتباط مستقیم و غیرمستقیم با معامله یا قرارداد نیست، لذا پورسانت محسوب نمی‌گردد. چنانچه دریافت پورسانت موجب گردد که در معاملات و قراردادهای بعدی امتیازاتی به طرف خارجی داده شود، متهم به اخذ پورسانت، از لحاظ تبانی در معاملات دولتی نیز تحت تعقیب قرار خواهد گرفت. چنانچه ثابت گردد در معامله‌ی دولتی با طرف خارجی پورسانت قبل از سال ۱۳۵۸ دریافت شده است، مرتکب، مسئولیت جزایی نخواهد داشت و دریافت پورسانت از تاریخ ۱۳۵۸/۱/۱ تا زمان لازم الاجرا شدن ماده‌ی واحده، تنها موجب عودت آن به دولت است، و مرتکب مسئولیت جزایی دیگری از قبیل حبس یا ... نخواهد داشت.

مبحث اول، تشریح عنصر قانونی جرم

طبق ماده‌ی واحده‌ی فوق‌الذکر، قبول هرگونه پورسانت از قبیل وجه، مال، سند پرداخت وجه یا تسلیم مال تحت هر عنوان به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در رابطه با معاملات خارجی قوای سه‌گانه، سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی، نیروهای مسلح، نهادهای انقلابی، شهرداری‌ها و کلیه‌ی تشکیلات وابسته به آن‌ها ممنوع است. مرتکب علاوه بر رد پورسانت یا معادل آن به دولت، به حبس تعزیری از دو تا پنج سال و جزای نقدی برابر پورسانت محکوم می‌شود.

براساس تبصره‌ی یک این ماده، مجازات شروع به این جرم، حداقل مجازات مقرر در ماده‌ی مذکور است و در صورتی که نفس عمل انجام شده نیز جرم باشد، مرتکب به مجازات آن جرم نیز محکوم خواهد شد؛ همچنین مطابق تبصره‌ی دو این ماده، رد پورسانت یا معادل آن به دولت از مورخه

۱۳۵۸/۱/۱ مجری خواهد بود.

به موجب تبصره‌ی سه‌ی این ماده، در صورتی که شخص حقیقی یا حقوقی خارجی طرف معامله، پورسانت می‌پردازد، موضوع به اطلاع مسئول دستگاه ذیربط رسانده می‌شود، و وجه مزبور دریافت و تماماً به خزانه واریز می‌گردد. در این صورت، اقدام کننده مشمول ماده‌ی فوق نخواهد بود.

مبحث دوم، مجازات

قانون گذار برای جرم قبول پورسانت در معاملات خارجی، مجازات حبس تعزیری از دو تا پنج سال و جزای نقدی معادل پورسانت دریافتی را مقرر نموده است. در صورت تحقق جرم مذکور، قاضی صادر کننده‌ی حکم، ملزم به صدور حکم به هر دو مجازات مذکور می‌باشد. علاوه بر این، همانند بسیاری از جرایم مالی، مرتکب، مکلف به رد پورسانت دریافتی یا معادل آن است؛ البته این قسمت از حکم که واجد وصف مدنی است، نیاز به ذکر در قانون جزایی ندارد. در نظریه‌ی شماره ۱۳۷۸/۵/۵-۷/۳۱۶۳ اداره‌ی حقوقی قوه‌ی قضاییه آمده که «رد پورسانت یا معادل آن به دولت که در ماده‌ی واحده‌ی قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب سال ۱۳۷۲ آمده است، مجازات محسوب نمی‌شود تا با فوت محکوم علیه اجرای حکم در این خصوص موقوف شود. رد پورسانت یا مال تحصیل شده از جرم، حکم قانونی خاص است که در ماده‌ی ۱۰ قانون مجازات اسلامی تصریح شده است. بنا بر مراتب، در صورت قبول ترکه، وراثت با رعایت ماده‌ی ۲۳۸ قانون امور حسبی، مکلف به پرداخت وجه مذکور به صندوق است. چنانچه وجوه و اموال ضبط و توقیف شده از متهم همان وجوه و اموال مأخوذه بابت پورسانت باشد، ضبط آن به نفع دولت و سازمان جمع آوری اموال تملیکی فاقد اشکال قانونی است».

بر اساس تبصره‌ی ۱ ماده‌ی واحده، مجازات شروع به این جرم، حداقل مجازات مقرر دانسته شده که منظور از حداقل مقرر در این تبصره، همان حداقل حبس، یعنی دو سال می‌باشد، و چون در مرحله‌ی شروع به این جرم، علی‌الاصول پورسانتی هنوز دریافت نشده، بنابراین رد پورسانت و جزای نقدی معادل آن، منتفی است. در قسمتی از تبصره‌ی مذکور مقرر شده: «... در صورتی که نفس عمل انجام شده نیز جرم باشد، مرتکب به مجازات آن جرم نیز محکوم خواهد شد». گرچه اصولاً در تعدد معنوی جرم (که این تبصره از مصادیق آن است)، وفق ماده‌ی ۴۶ قانون مجازات اسلامی، مجازات جرمی اعمال می‌شود که مجازات آن اشد است، اما در این تبصره، مقنن، به‌طور استثناء حکم به جمع مجازات‌ها داده است.

فصل سوم: تبانی در معاملات دولتی بر اساس قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی مصوب ۱۳۴۸

تبانی در لغت به معنی «با هم ساختن»^۱ آمده است. در تبانی، حداقل دو نفر باید وجود داشته باشند. به عبارت دیگر، تبانی مستلزم وجود حداقل دو نفر، یعنی تبانی کنندگان است؛ بنابراین اگر یک نفر حيله ای به کار برده باشد، تحت عنوان تبانی قرار نخواهد گرفت، و تقلب در معامله، محسوب می شود. اگر مسئول خرید یا فروش دولتی خودش بدون مواضعه و بدون قرار پنهانی با خریدار یا فروشنده، مقررات مربوط را نادیده بگیرد، این مورد نیز عنوان تبانی ندارد، ولی ممکن است مشمول عنوان مجرمانه دیگری باشد و یا حداقل تخلف از مقررات دولتی یا سوء جریان امور اداری به حساب آید؛ مثلاً موردی که باید معامله به صورت مزایده و انتشار آگهی انجام گیرد، این تشریفات را در معامله رعایت نکند.

لغت تبانی در قوانین مختلف به کار رفته است. از جمله می توان به قانون مجازات اشخاصی که برای بردن مال غیر، تبانی می نمایند (مصوب ۱۳۰۷)، نیز تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت داخلی و خارجی، موضوع کتاب پنجم مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های باز دارنده)، همچنین تبانی با دشمن، موضوع ماده ۲۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ اشاره کرد. آنچه مد نظر ما در این بحث می باشد، جرم تبانی در معاملات دولتی است.

معاملات دولتی به معنای گفته می شود که دولت برای رفع حوائج ضروری خود، مبادرت به انعقاد آنها می نماید، اعم از این که طرف معامله دولت باشد، و یا طرفین آن از ادارات دولتی، و اعم از این که طرف شخص حقیقی یا این که شخص حقوقی، خصوصی یا عمومی باشد؛ بعضی از اساتید، معاملاتی را که یک طرف آن دولت باشند، معامله دولتی دانسته اند.^۲

تبانی از باب تفاعل، و عبارت است از توافق و تمایل حداقل دو نفر بر امر سویی که نتیجه اش متوجه شخص ثالثی باشد. با این توضیح، توافق دو نفر در ارتکاب یک جرم که عنوان خاص قانونی دارد، از شمول تبانی خارج می گردد؛ به عنوان مثال، چنانچه توافق پنهانی دو نفر منجر به مشارکت آنان در ربودن مال دیگری شود، اصطلاحاً به آن تبانی گفته نمی شود، بلکه شرکت^۳ در سرقت نامیده می شود.

تبانی و توافق سویی که منجر به ورود ضرر به دولت یا شرکت ها و مؤسسات وابسته به دولت شود،

۱- عمید، حسن، ص ۴۰۹.

۲- جعفری لنگرودی، دکتر محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد پنجم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۸، ص ۴۱۷.

۳- ماده ۴۲ قانون مجازات اسلامی

مشمول مجازات است، و چنانچه توافق و تبانی طرفین به هر دلیل موجب ضرر به دولت نشود، امکان تعقیب طرفین تبانی نخواهد بود. مطابق قواعد عمومی حقوق جزا، هر جرم، دارای سه عنصر اساسی (قانونی، مادی و معنوی) است و تحقق آن، مستلزم شکل‌گیری این ارکان است. در این قسمت، به شرح هر یک از این عناصر در خصوص جرم تبانی می‌پردازیم.

مبحث اول، تشریح عنصر قانونی جرم

طبق ماده واحده‌ی قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی، مصوب ۱۳۴۸/۳/۱۹ اشخاصی که در معاملات یا مناقصه‌ها و مزایده‌های دولتی یا شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به دولت یا مأمور به خدمات عمومی و یا شهرداری‌ها با یکدیگر تبانی کنند، و در نتیجه‌ی آن ضرری متوجه دولت و یا شرکت‌ها و مؤسسات مذکور شود، به حبس تأدیبی از یک تا سه سال، و جزای نقدی به میزان آن چه که من غیر حق، تحصیل کرده‌اند، محکوم می‌شوند.

هرگاه مستخدمین دولت یا شرکت‌ها و یا مؤسسات مزبور یا شهرداری‌ها و همچنین کسانی که به نحوی از انحاء از طرف دولت و یا شرکت‌ها و یا مؤسسات فوق در انجام معامله یا مناقصه و یا مزایده دخالت داشته باشند و با علم و اطلاع از تبانی، معامله را انجام دهند یا به نحوی در تبانی شرکت یا معاونت کنند، به حداکثر مجازات حبس و انفصال ابد از خدمات دولتی و شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به دولت و شهرداری‌ها محکوم خواهند شد. در کلیه‌ی موارد مذکور در صورتی که عمل مطابق قانون مستوجب کیفر شدیدتر باشد، مرتکب به مجازات اشد محکوم خواهد شد.

مؤسسه‌ی عمومی، سازمانی است که دارای شخصیت حقوقی مستقل بوده و به قائم مقامی دولت یا مردم یک محل، اداره‌ی یک یا چندین خدمت معین و محدود از خدمات و نیازمندی‌های عمومی را عهده‌دار است.^۱

مبحث دوم، اظهار نظر

در متن قانون مشخص نشده که منظور از ضرر، چه نوع است؛ ضرر و زیان معنوی یا مادی، یا هر دو. در این که ضررهای مادی یکی از مصادیق ضرر مذکور در قانون فوق است، بحثی وجود ندارد، اما دلیلی هم وجود ندارد که کلمه‌ی ضرر در متن قانون را تنها به خسارت‌های مادی منحصر نماییم. ماده‌ی ۹ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب سال ۱۳۷۸، ضررهایی را که ناشی از جرم بوده و می‌توان مطالبه کرد، بیان نموده است. متن ماده‌ی ۹، اشعار می‌دارد که ضرر و زیان قابل مطالبه به شرح زیر می‌باشد:

۱- ضرر و زیان‌های مادی که در نتیجه ارتکاب جرم حاصل شده است؛

۲- منافعی که ممکن الحصول بوده و در اثر ارتکاب جرم، مدعی خصوصی از آن محروم و متضرر می‌شود.

با توجه به این ماده که تصویری آشکار از ضرر روبروی ما ترسیم نموده، می‌توان گفت، ضرر مذکور در قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی، می‌تواند یکی از مصادیق مذکور در ماده‌ی ۹ قانون آیین‌نامه‌ی دادرسی کیفری باشد. چنان‌چه تبانی، زمینه‌ی بروز یکی از آن موارد شده باشد، موجب مجازات طرفین خواهد شد.

تبانی در معاملات دولتی، جرمی است که تحقق آن منوط و موکول به فعل حداقل دو طرف است؛ بنابراین چنان‌چه دو نفر به اتهام تبانی در معامله دولتی مورد تعقیب قرار گیرند و اتهام یکی از آن دو ثابت نگردد، مجازات طرف دیگر به این اتهام محل اشکال خواهد بود.

چنان‌چه دولت مزایده‌ای برگزار کند و شرکت کنندگان از قبل توافق نمایند که مبلغ را تا سقف معینی بیشتر بالا نبرند، و در صورت برنده شدن، هر یک در منافع حاصله شریک باشند، این توافق چند جانبه می‌تواند یکی از مصادیق تبانی باشد. چنان‌چه مسئول برگزاری مزایده به نحوی از تبانی شرکت کنندگان مطلع شده باشد و مزایده را برگزار کند، مشمول قسمت دوم قانون بوده، و علاوه بر حداکثر حبس، به انفصال ابد از خدمات دولتی نیز محکوم خواهد شد. قانون‌گذار در این قانون به نکته‌ی ظریف و مهمی توجه داشته است؛ ظرافتی که در سایر قوانین و مواد قانونی کیفری کمتر به آن توجه شده یا اصلاً توجه نشده است؛ به عنوان مثال در ماده‌ی ۵۷۶ قانون مجازات اسلامی، امکان جلوگیری از اجرای قانون یا اوامر قضایی توسط مأمورین دولتی و شهرداری‌ها پیش‌بینی شده ولی در ذیل ماده، فقط انفصال از خدمات دولتی به عنوان ضمانت اجرا تعیین شده؛ در حالی که کارمند شهرداری، رابطه‌ی استخدامی با دولت ندارد، چگونه حکم انفصال از خدمات دولتی در مورد او امکان اجرا خواهد داشت؟ شایسته بود که قانون‌گذار، یا کلمه‌ی دولتی را از متن ماده حذف می‌کرد، یا این که به انفصال از خدمت شهرداری نیز اشاره می‌نمود، و یا این که در ماده‌ی ۳ قانون مجازات با این که پذیرش اعمال نفوذ توسط کارمندان شهرداری‌ها نیز پیش‌بینی شده، معهداً مجازات ذیل ماده، تنها انفصال از خدمات دولتی مقرر شده و طبیعی است کارمند شهرداری که مرتکب جرم شده، به فرض این که به انفصال از خدمات دولتی محکوم شود، این حکم در مورد او هیچ اثر اجرایی نخواهد داشت.

در قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی، این نکته‌ی ظریف مورد توجه قانون‌گذار واقع شده و

انفصال ابد از خدمات دولتی در کنار انفصال ابد از شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به دولت و شهرداری‌ها راقید کرده است. به عبارت دیگر، چنانچه مرتکب جرم، کارمند شهرداری بوده باشد، طبیعی است طبق این ماده، حکم به انفصال او از خدمت در شهرداری و چنانچه مرتکب جرم، کارمند مؤسسات وابسته به دولت باشد، حکم به انفصال او از خدمت در مؤسسه وابسته به دولت صادر خواهد شد.

ممکن است از مجازات ذیل قانون، این نکته برداشت شود که قانون‌گذار از کلمه‌ی «یا» استفاده ننموده، بلکه از حرف عطف «و» استفاده کرده، و چنانچه منظور قانون‌گذار این بود که حسب مورد، کارمند شهرداری، حکم به انفصال از خدمت شهرداری، و در مورد کارمند شرکت دولتی، حکم به انفصال از خدمت شرکت دولتی صادر شود، هم از عبارت حسب مورد، و هم در بین مراجع یاد شده، از عبارت «یا» استفاده می‌کرد، در حالی که چنین ننموده و منظورش این بوده که مرتکب جرم، کارمند هر یک از مراجع مذکور که بوده باشد، به جمع این مجازات‌ها یعنی به انفصال ابد از خدمات دولتی و شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به دولت و شهرداری‌ها محکوم شود؛ زیرا در این صورت، به‌طور کلی حق او در مورد خدمت در کلیه‌ی مراجع یاد شده سلب گردیده، و نخواهد توانست در صورت انفصال از خدمت شهرداری به خدمت دولتی رجوع نماید.

در قبال این برداشت از قانون باید گفت به فرض که منظور قانون‌گذار جمع این موارد بوده باشد، آن نقص و کاستی که در مواد ۵۷۶ قانون مجازات اسلامی و ماده‌ی سه قانون مجازات اعمال نفوذ مطرح است، در این جا مطرح نخواهد بود؛ زیرا به هر حال، حکم انفصال در مورد شغل فعلی مجرم، قابل اجرا خواهد بود.

برای تشخیص تبانی، ضابطه و معیار کلاسیک و مشخص شده‌ای توسط قانون‌گذار بیان نشده، بلکه قاضی دادگاه باید از مجموع قراین و عبارات موجود در پرونده از قبیل تفاوت قیمت معامله با قیمت واقعی، رابطه‌ی آشنایی و دوستی طرفین تبانی با مسئول دولتی ذی‌ربط، ترک مقررات و تشریفات مزایده یا مناقصه، عدم رعایت مقررات ذی‌ربط در انجام معامله، سابقه‌ی کاری و خدمتی کارمند متهم از لحاظ سلامت در انجام معاملات، تبانی یا عدم آن را در معامله‌ای که منعقد شده احراز کند. رسیدگی به این جرم در صلاحیت دادگاه‌های عمومی دادگستری است، مگر این که مرتکب از جمله مقامات مذکور در تبصره‌ی ماده‌ی ۴ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب باشد، که در این صورت، دادگاه کیفری استان تهران، صالح به رسیدگی خواهد بود و حکم صادره در این خصوص قابل تجدیدنظر است.

فصل چهارم؛ اختلاس در وجوه مربوط به قراردادهای دولتی

مبحث اول، عنصر قانونی جرم

طبق ماده ۵ قانون تشدید مجازات، مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری، هر یک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمان‌ها و یا شوراهای و یا شهرداری‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و یا وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و دیوان محاسبات و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می‌شود و یا دارندگان پایه قضایی و به‌طور کلی قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأمورین به خدمت عمومی اعم از رسمی و غیررسمی، باشد، و وجوه و یا مطالبات و یا حواله‌ها یا سهام و اسناد و اوراق بهادار و یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمان‌ها و مؤسسات فوق‌الذکر و یا اشخاصی که بر حسب وظیفه به آن‌ها سپرده شده است را به نفع خود و یا دیگری برداشت و تصاحب نماید، مختلس محسوب و به ترتیب زیر مجازات خواهد شد:

در صورتی که میزان اختلاس تا پنجاه هزار ریال باشد، مرتکب به شش ماه تا سه سال حبس، و شش ماه تا سه سال انفصال موقت، و هر گاه بیش از این مبلغ باشد، به دو تا ۱۰ سال حبس و انفصال دائم از خدمات دولتی، و در هر مورد، علاوه بر رد وجه یا مال مورد اختلاس، به جزای نقدی معادل دو برابر آن محکوم می‌شود.

بر اساس تبصره‌ی یک، در صورت اتلاف عمدی، مرتکب علاوه بر ضمان، به مجازات اختلاس محکوم می‌شود. بر اساس تبصره‌ی دو، چنانچه عمل اختلاس توأم با جعل سند و نظایر آن باشد، در صورتی که میزان اختلاس تا پنجاه هزار ریال باشد، مرتکب به دو تا پنج سال حبس و یک تا پنج سال انفصال موقت، و هر گاه بیش از این مبلغ باشد، به هفت تا ده سال حبس و انفصال دائم از خدمات دولتی، و در هر مورد، علاوه بر رد وجه یا مال مورد اختلاس، به جزای نقدی معادل دو برابر آن محکوم می‌شود.

اداره‌ی حقوقی قوه‌ی قضاییه در خصوص تخفیف در مجازات انفصال دائم معتقد است که با توجه به مقررات موجود، چون انفصال دائم از شغل مقرر در ماده‌ی ۶۵ قانون تعزیرات از جمله مجازات‌های تعزیری محسوب می‌شود، لذا اعمال ماده‌ی ۳۵ قانون مجازات اسلامی با لحاظ اطلاق آن، بلا اشکال است (نظریه‌ی ۷،۴۷۷۹ مورخ ۱۳۶۹/۶/۴)^۱. بر اساس تبصره‌ی سه، هر گاه مرتکب اختلاس قبل از صدور کیفرخواست، تمام وجه یا مال مورد اختلاس را مسترد نماید، دادگاه او را از تمام یا قسمتی از جزای نقدی معاف می‌نماید، و اجرای مجازات حبس را معلق، ولی مجازات انفصال در مورد او اجرا خواهد شد. بر اساس تبصره‌ی چهار، حداقل نصاب مبالغ مذکور در جرایم اختلاس از حیث تعیین

۱- باختر، سیداحمد، ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری در آیین قوانین و رویه قضایی، خرسندی، چاپ اول، ۱۳۸۷، تهران، ص ۲۷۵.

مجازات یا صلاحیت محاکم اعم از این است که جرم دفعتاً واحده یا به دفعات واقع شده، و جمع مبلغ مورد اختلاس بالغ بر نصاب مزبور باشد.

بر اساس تبصره‌ی پنجم، هرگاه میزان اختلاس زاید بر صد هزار ریال باشد، در صورت وجود دلایل کافی، صدور قرار بازداشت موقت به مدت یکماه الزامی است، و این قرار در هیچ یک از مراحل رسیدگی قابل تبدیل نخواهد بود؛ همچنین، وزیر دستگاه می‌تواند پس از پایان مدت، بازداشت موقت کارمند را تا پایان رسیدگی و تعیین تکلیف نهایی وی از خدمت تعلیق کند، و به ایام تعلیق مذکور در هیچ حالت حقوق و مزایایی تعلق نخواهد گرفت.

بر اساس تبصره‌ی ششم، در کلیه‌ی موارد مذکور در صورت وجود جهات تخفیف، دادگاه مکلف به رعایت مقررات تبصره‌ی یک ماده‌ی یک از لحاظ حبس و نیز بنا به مورد، حداقل انفصال موقت یا انفصال دائم خواهد بود.

اختلاس به شرح ماده‌ی ۵ عبارت است از برداشت و تصاحب وجوه یا مطالبات یا حواله‌ها یا سهام و اسناد و اوراق بهادار یا اموال دیگر از یکی از مراجع مذکور در ماده‌ی فوق، یا یکی از اشخاص که در نزد آن مراجع است. شرط تحقق جرم، اختلاس آن است، که موضوع مذکور حسب وظیفه در اختیار شخص اداری قرار گرفته باشد؛ بنابراین چنانچه کارمند، مالی حسب وظیفه در اختیارش نباشد، ولی آن را به نفع خود یا دیگری برداشت و تصاحب نماید، عمل او اختلاس نیست، بلکه مورد مشمول عنوانین جزایی است.

از جمع تبصره‌ی ۵ و ماده‌ی ۷ می‌توان چنین استنباط کرد که در فاصله‌ی بین صدور قرار بازداشت موقت تا اعلام دادسرا مبنی بر صدور کیفرخواست، تعلیق کارمند از اختیارات وزیر دستگاه ذریبط است، اما پس از اعلام دادسرا، دستگاه ذریبط مکلف است کارمند را تعلیق نماید، و مجازات شریک جرم اختلاس نیز قابل تعلیق نمی‌باشد. اداره حقوقی قوه قضائیه، طی نظریه‌ی شماره‌ی ۷/۳۸۳۳-۶۹/۱۰/۱۲ اعلام نموده، تعلیق مجازات شرکای بزه‌های اختلاس و ارتشاء و جعل و استفاده از سند مجعول، جایز نیست!

مبحث دوم، عنصر روانی

مرتبک جرم اختلاس باید در برداشت و تصاحب اموال دولت و دستگاه‌های موضوع ماده‌ی (۵) سوءنیت داشته باشد. سوءنیت عبارت است از تعلق اندیشه‌ی خلاف قانون بر انجام عمل مجرمانه. از آن جا که جرم اختلاس در زمره‌ی جرایم عمدی است، پس باید حداقل پایه‌ی لازم برای تحقق جرایم

۱- شهری، غلامرضا، و ستوده جهرمی، سروش، نظریات اداره حقوقی قوه قضائیه در زمینه مسائل کیفری، انتشارات روزنامه رسمی، ۱۳۷۷،

عمدی که همان سوءنیت عام است، موجود باشد. با این وجود، جرم اختلاس گرچه جرمی مقید می‌باشد، اما تحقق آن منوط به وجود سوءنیت خاص نیست، و همان‌گونه که در بخش عنصر مادی، نتیجه در عملیات اجرایی مقدماتی ادغام می‌شود، در بعد عنصر روانی نیز سوءنیت خاص در سوءنیت عام مستتر و ادغام می‌گردد.

فصل پنجم؛ تحصیل منفعت به واسطه‌ی تدلیس در معاملات دولتی یا تقلب در ساختن آن

رعایت عدل و انصاف و نیز صرفه و صلاح دولت، ایجاب می‌نماید که در خرید و فروش‌هایی که برای دولت صورت می‌گیرد، از تدلیس و تقلب و پنهان‌کاری، اجتناب، و مأمورین دولت در کمال امانت‌داری و صداقت به انجام معاملات دولتی که گاه حجم ریالی بالایی را دارند اهتمام نمایند. رعایت الزامات فوق، سبب گردیده که قانون‌گذار، عدم رعایت خبط دولت را توسط مأمورین، و در نظر گرفتن منافع شخصی برای خود توسط نامبردگان، مورد حمایت کیفری قرار دهد. در ماده‌ی (۱۵۳) قانون مجازات عمومی (مصوب ۱۳۰۴)، در این زمینه آمده بود: «هریک از مستخدمین و مأمورین دولتی و اشخاصی که عهده‌دار خرید یا فروش یا ساختن یا امر به ساختن چیزی برای دولت بوده، و به واسطه‌ی تدلیس در خرید و فروش یا در تعیین مقدار یا صفت آن چیز، نفعی برای خود یا دیگری تحصیل کرده که موجب ضرر دولت باشد، علاوه بر استرداد آن چه تحصیل کرده، به تادیه‌ی غرامتی معادل نصف آن محکوم خواهد شد، و اگر مستخدم دولتی باشد چیزی به علاوه‌ی مجازات فوق چیزی از یک تا هفت سال از خدمت دولتی منفسل خواهد گشت». در ماده‌ی (۷۷) قانون تعزیرات (مصوب سال ۱۳۶۲) نیز در این زمینه مقرر شده بود: «هر شخصی عهده‌دار انجام معامله یا ساختن چیزی یا نظارت در ساختن یا امر به ساختن آن برای هر یک از ادارات و سازمان‌ها و مؤسسات مذکور در ماده (۸۵) بوده، به واسطه‌ی تدلیس در معامله، از جهت تعیین مقدار یا صفت یا قیمت بیش از حد متعارف یا تقلب در ساختن آن چیز، نفعی برای خود یا دیگری تحصیل کند که موجب ضرر و زیان آن ادارات یا سازمان یا مؤسسه باشد، به جبران خسارت وارده و حبس از شش ماه تا پنج سال محکوم خواهد شد». پس از این، حکم این جرم، در ماده (۵۹۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ پیش‌بینی گردید که در سطور آتی‌الذکر مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

مبحث اول، عنصر قانونی

عنصر قانونی جرم، تحصیل منفعت به واسطه‌ی تدلیس و تقلب، عبارت است از ماده‌ی (۵۹۹) قانون

مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۵) که مقرر داشته: «هر شخصی عهده‌دار انجام معامله یا ساختن چیزی یا نظارت در ساختن یا امر به ساختن آن برای هر یک از ادارات و سازمان‌ها و مؤسسات مذکور در ماده (۵۹۸) بوده است، به واسطه‌ی تدلیس در معامله از جهت تعیین مقدار یا صفت یا قیمت بیش از حد متعارف مورد معامله یا تقلب در ساختن آن چیز، نفعی برای خود یا دیگری تحصیل کند، علاوه بر جبران خسارات وارده، به حبس از شش ماه تا پنج سال محکوم خواهد شد».

مبحث دوم، عنصر مادی

در بحث عنصر مادی، توجه به نکات زیر ضروری است:

عمل مرتکب این جرم، مرکب از دو قسمت است: اولاً مرتکب، اقدام به عملیات تدلیس آمیز نموده باشد، ثانیاً از طریق فوق، نفعی برای خود یا دیگری تحصیل کرده باشد. تدلیس، طبق ماده‌ی (۴۳۸) قانون مدنی، عبارت است از عملیاتی که موجب فریب طرف معامله شود. وجود وصف و خصیصه‌ی «عملیاتی» بودن در تعریف تدلیس، سبب می‌شود که اولین رکن از عمل مرتکب را صرفاً به صورت انجام فعل مثبت مادی قابل تحقق بدانیم. بی‌مبالاتی خریدار در احراز وصف واقعی مبیع و حفظ منافع خود، مانع از تحقق تدلیس نیست. درباره‌ی سکوت عمدی فروشنده درباره‌ی عیب کالا، اختلاف شده، که تدلیس است یا اثری ندارد، ولی تمایل عمومی بر این است که حسن نیت در قراردادها ایجاب می‌کند، که فروشنده، عیوب پنهانی را به خریدار اعلام کند.^۱ این موضوعات در چارچوب حقوق مدنی کاملاً صحیح می‌باشد، لیکن به نظر نگارنده، در حقوق کیفری که قاعده بر عمل به تفسیر مضیق و قدر متیقن است، لازم است شخص طرف معامله به عملیاتی متوسل گردیده باشد، و ترک فعل نمی‌تواند عنصر مادی این قسمت از عمل مرتکب قرار گیرد. علاوه بر توسل به عملیات فریب کارانه، مرتکب باید در اثر این عملیات، نفعی برای خود یا دیگری تحصیل کرده باشد؛ بنابراین تحصیل منفعت به عنوان جزء دوم رکن عمل مرتکب به صورت فعل مثبت محقق می‌گردد.

مبحث سوم، مجازات

مجازات اصلی این جرم، شش ماه تا پنج سال حبس است که غیرقابل گذشت نیز می‌باشد. قاضی دادگاه می‌تواند با ملاحظه‌ی خصوصیات جرم و مجرم نظیر کارمند بودن وی، از مجازات‌های تکمیلی و تئیمیمی و تبدیلی وفق ماده‌ی ۷۲۸ و ۱۹ قانون مجازات اسلامی استفاده نماید. در ماده‌ی ۱۵۳ قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۰۴، علاوه بر مجازات حبس، پرداخت غرامت معادل دو برابر آن چه مرتکب تحصیل نموده، پیش‌بینی شده بود.

۱- کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظام حقوقی کنونی، نشر دادگستر، چاپ اول تابستان ۷۷ صفحه ۳۳۶.

فصل ششم؛ تحصیل منفعت در معاملات دولتی بر اساس ماده‌ی ۶۰۳ قانون

مجازات اسلامی

مبحث اول، عنصر قانونی جرم

طبق ماده‌ی فوق‌الذکر، هر یک از کارمندان، کارکنان و اشخاص عهده‌دار وظیفه‌ی مدیریت و سرپرستی در وزارتخانه‌ها و ادارات و سازمان‌های مذکور در ماده‌ی ۵۹۸^۱ که بالمباشره یا به واسطه در معاملات، مزایده‌ها و مناقصه‌ها و تشخیصات و امتیازات مربوط به دستگاه متبوع، تحت هر عنوانی اعم از کمیسیون یا حق الزحمه و حق‌العمل یا پاداش برای خود یا دیگری نفعی در داخل یا خارج از کشور از طریق توافق یا تفاهم یا ترتیبات خاص یا سایر اشخاص یا نمایندگان یا شعب آن‌ها منظور دارد، یا بدون مأموریت از طرف دستگاه متبوعه بر عهده‌ی آن چیزی بخرد یا بسازد یا در موقع پرداخت و جوهری که حسب وظیفه به عهده‌ی او بوده یا تفریغ حسابی که باید به عمل آورد یا برای خود یا دیگری نفعی منظور دارد، به تأدیه‌ی دو برابر جوهر و منافع حاصله از این طریق محکوم می‌شود، و در صورتی که عمل وی موجب تغییر در مقدار یا کیفیت مورد معامله یا افزایش قیمت تمام شده‌ی آن گردد، به حبس از شش ماه تا پنج سال و یا مجازات نقدی از سه تا سی میلیون ریال نیز محکوم خواهد شد. جرم موضوع این ماده، تنها شامل کارکنان، کارمندان و اشخاصی می‌شود که در یکی از وزارتخانه‌ها و ادارات و سازمان‌های مذکور در ماده‌ی ۵۹۸، عهده‌دار وظیفه‌ی مدیریت و سرپرستی باشند؛ بنابراین چنانچه غیر از سرپرست، مأمور یا رییس یا معاونان دستگاه یا قسمت‌های اداری یکی از تخلفات مذکور در متن ماده را مرتکب شوند، عمل آنان مشمول مجازات مقرر در ماده‌ی ۶۰۳ نخواهد بود. هر چند که معاملات و مزایده‌ها و مناقصه‌ها معمولاً توسط کارمندان صورت می‌گیرد که به عنوان رییس و مسئول یکی از مراجع مذکور در ماده‌ی ۵۹۸ خدمت می‌کنند، و کسی که کارمند دون پایه یا میان پایه است اساساً معاملات و مزایده‌ها و مناقصه‌ها نمی‌تواند با طرفیت او منعقد گردد و قانون‌گذار با هدف جلوگیری از اعمال مزبور توسط مدیران، متن ماده را تصویب نموده است. اگر جرم موضوع این ماده از طرف کارمندان و کارکنان و اشخاص عهده‌دار نظارت در مراجع

۱- ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی:

«هر یک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمان‌ها یا شوراها و یا شهرداری‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و یا وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و بنیادها و مؤسساتی که زیر نظر ولی فقیه اداره می‌شوند و دیوان محاسبات و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می‌شوند و یا دارندگان پایه قضایی و به‌طور کلی اعضا و کارکنان قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأمورین به خدمات عمومی اعم از رسمی و غیررسمی؛ وجوه نقدی یا مطالبات یا حوالجات یا سهام و سایر اسناد و اوراق بهادر یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمان‌ها و مؤسسات فوق‌الذکر یا اشخاصی که بر حسب وظیفه به آن‌ها سپرده شده است را مورد استفاده غیرمجاز قرار دهد بدون آنکه قصد تملک آن‌ها را به نفع خود یا دیگری داشته باشد متصرف غیرقانونی محسوب و علاوه بر جبران خسارت وارده و پرداخت اجرت‌المثل به شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می‌شود و در صورتی که منتفع شده باشد علاوه بر مجازات مذکور به جزای نقدی معادل مبلغ انتفاعی محکوم خواهد شد و همچنین است در صورتی که به علت اهمال یا تفریط موجب تضییع اموال و وجوه دولتی گردد و یا آن را به مصارفی برساند که در قانون اعتباری برای آن منظور نشده یا در غیر مورد معین یا زاید بر اعتبار مصرف نموده باشد.»

ذیربط صورت گیرد، مشمول مجازات‌های این ماده نخواهد بود، اما ماده‌ی ۸۱ قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲ که ماده‌ی ۶۰۳ جایگزین آن ماده است، این افراد را نیز مشمول مجازات می‌داند.

در صورتی که حق کمیسیون، حق الزحمه، حق العمل، پاداش یا نفع تحصیل شده توسط مدیر یا سرپرست موجب تغییر در مقدار یا کیفیت مورد معامله یا افزایش قیمت تمام شده نگردد، امکان اعمال مجازات حبس یا جزای نقدی در مورد او وجود نخواهد داشت، و تنها به تأدیه‌ی دو برابر وجوه و منافع حاصله، محکوم خواهد شد. عبارت «افزایش قیمت تمام شده» در ذیل ماده‌ی ۶۰۳، دلالت بر این امر دارد که قانون‌گذار به خرید و مناقصه توسط دستگاه ذیربط نظر داشته، نه فروش و مزایده، چرا که اگر در مزایده، عمل مدیر موجب افزایش قیمت گردد به نفع دولت است. بنابراین اگر نفع تحصیل شده توسط مدیر و سرپرست در مورد افزایش قیمت تمام شده مالی باشد که دولت از طریق مناقصه خریده است، مجازات حبس، شامل موضوع خواهد بود. اگر نفعی که مدیر و سرپرست برای خود منظور می‌دارد، موجب کاهش قیمت در مزایده شود و مال دولت به کمتر از مقداری که می‌بایست، فروش رود، امکان اعمال مجازات حبس نخواهد بود، زیرا در ماده، تنها به افزایش قیمت تمام شده اشاره شده است. در این حال ممکن است موضوع مشمول قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی مصوب ۴۸/۳/۱۹ باشد که جداگانه توضیح داده خواهد شد.

در این ماده، مجازات طرف‌های معامله که با تفاهم و توافق مسئول دولتی پاداش یا حق‌عملی به او می‌پردازند، در نظر گرفته نشده، اما از آنجایی که آن‌ها با پرداخت وجه، عملاً موجبات تسهیل وقوع جرم توسط مدیر یا مسئول دولتی را فراهم کرده‌اند، به عنوان معاون جرم قابل تعقیب می‌باشند.

مبحث دوم، اظهار نظر

در قسمت اول ماده‌ی ۶۰۳ به تأدیه‌ی دو برابر وجوه و منافع حاصله اشاره شده، اما قانون‌گذار مشخص نکرده است این تأدیه باید به چه کسی صورت گیرد؛ ممکن است بدو به ذهن آید که نفع تحصیل شده یا وجه اخذ شده، به کسی تأدیه می‌شود که از او اخذ شده یا از قبیل او نفع برده شده، اما با کمی دقت، مشخص می‌شود این تأدیه نباید به شکل معامله یا مزایده یا مناقصه صورت گیرد؛ زیرا با توجه به استدلالی که صورت گرفت، طرف معامله خودش معاون جرم است و کسی که وقوع جرم را تسهیل نموده، باید مجازات شود، نه این که در نتیجه‌ی ارتکاب جرم، به مالی نیز برسد. مضافاً متضرر واقعی در این جا دولت است که در معامله‌ی دستگاهش، موجبات تغییر در مقدار یا کیفیت یا قیمت تمام شده حاصل گردیده است، بنابراین، تأدیه باید به دولت یعنی دستگاه ذیربط صورت گیرد. تأدیه، وجه یا منافع تحصیل شده، مستلزم تقدیم دادخواست از طرف دستگاه متبوع متهم نمی‌باشد،

زیرا اولاً جنبه‌ی ضرر و زیان ندارد تا مستلزم طرح دعوی حقوقی باشد، ثانیاً تأدیه‌ی وجوه و منافع حاصله، رفع آثار جرم است و آن به دادخواست نیاز ندارد. در صورتی که در اثر تحصیل منفعت، موجبات تغییر در مقدار یا کیفیت معامله یا افزایش قیمت تمام شده فراهم گردیده و این امر موجبات ضرر و زیان دولت شده باشد، مطالبه‌ی این ضرر و زیان، مستلزم تقدیم دادخواست است.

ماده‌ی ۶۰۳، ناسخ ماده واحده‌ی قانون ممنوعیت اخذ پورسانت (مصوب ۷۲/۴/۲۷) نمی‌باشد، زیرا ماده‌ی ۶۰۳، ناظر به مواردی است که مدیریت دستگاه ذیربط با ایفای نقش در معامله و مزایده، به نفع طرف مقابل، حق‌العملی دریافت می‌دارد، در حالی که در ماده واحده‌ی ممنوعیت اخذ پورسانت، قانون‌گذار، صرف قبول وجه و درصد را ممنوع نموده است. بعضی از نویسندگان، ماده‌ی ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی را راجع به ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات دولتی دانسته و نتیجه گرفته‌اند که اجرای حکم ماده‌ی ۶۰۳ با لایحه‌ی قانونی راجع به منع مداخله‌ی وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری (مصوب ۱۳۳۷/۱۰/۲۲) مانع‌الجمع نیست؛ به عبارت دیگر، ماده‌ی ۶۰۳ راناسخ قانون منع مداخله‌ی وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان ندانسته‌اند.^۱

رسیدگی به جرم، موضوع ماده‌ی ۶۰۳، حسب مورد در صلاحیت دادگاه کیفری استان تهران یا در صلاحیت دادگاه‌های عمومی است و حکمی که در ارتباط با ماده‌ی ۶۰۳ صادر می‌شود، حسب مورد، قابل تجدیدنظر در دیوان عالی کشور یا دادگاه تجدیدنظر است.

نتیجه‌گیری کلی

الف) مبارزه‌ی جدی با مفاسد اقتصادی و مالی در وهله‌ی نخست مستلزم انجام اصلاحات لازم و بنیادین در نظام مالی و معاملاتی کشور، و در مرحله‌ی دوم، نیازمند وضع قوانین کیفری لازم، متناسب با چنین نظامی و آموزش قضات دادگستری برای برخورد با جرایم مرتبط با معاملات دولتی است. ب) هرگونه برخورد شتابزده در ارتباط با جرایم مرتبط با معاملات دولتی، ممکن است آثار سویی به دنبال داشته باشد. پیچیدگی حوزه‌ی معاملات دولتی و تأثیر متغیرهای ناشناخته در پدیداری وضعیت اقتصادی جدید، ایجاب می‌کند تا سیاست کیفری در ارتباط با جرایم این حوزه از سازمان یافتگی و انسجام خاص برخوردار باشد. تنظیم رویکرد سرکوبگرانه و بازدارنده به گونه‌ای که رابطه‌ی مکملی بین آن‌ها برقرار باشد و فراگیرسازی رویکردهای مزبور نسبت به تمامی زمینه‌های جرم‌خیز باید بر پایه‌ی مطالعات و پژوهش‌های دقیق انجام شود.

هرگونه پیشرفت در رویکرد سرکوبگرانه و محوریت پاسخ‌های کیفری بدون اندیشیدن سازوکارهای ترمیمی و رویکرد بازدارنده و متناسب با وضع موجود، موجب عدم تعادل در سیاست کیفری شده، و

۱- ولیدی، دکتر محمد صالح، حقوق جزای اختصاصی، جرایم مالی علیه آسایش عمومی، نشر خیام، ۱۳۷۷، جلد ۵، ص ۱۳۳

فرآیند مبارزه با جرایم و مفاسد بخش معاملات دولتی را دچار اختلال می‌کند. ج) اجرای قانون به نحو صحیح و درست، لازمه‌ی هر گونه مبارزه با جرایم است. چنانچه اهرم‌های کنترل و نظارتی کافی برای اجرای قانون پیش‌بینی نشود، مبارزه با جرایم مربوط به پیمان‌ها و قراردادهای دولتی با همان چالش‌هایی که بقیه‌ی جرایم روبرو می‌باشند، مواجه خواهد شد، و چه بسا این قوانین، مورد سوء استفاده قرار گرفته و نتیجه معکوس به بار آورد.^۱

د) با بررسی متون قانونی مربوط به جرایم اقتصادی، نظیر ارتشاء، اختلاس، اخذ پورسانت، و تبانی در معاملات دولتی، به این نتیجه دست می‌یابیم که با توجه به آشفتگی و پراکندگی موجود در سیاست کیفری تقنینی ایران، اصولاً نمی‌توان یک سیاست کیفری منسجم، مدرن و دارای هدف و جهت تبیین نمود و آن را با مدل‌های شناخته شده و معتبر علمی مقایسه کرد.

ه) در بحث مجازات‌ها و ضمانات اجراهای کیفری در جرایم اقتصادی، سیاست مقنن بارها دستخوش تغییرات شده، به نحوی که اگر قوانین پس از انقلاب را در نظر بگیریم، ابتدا در قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲، برخوردی خفیف وجود داشته، سپس در قوانین بعدی نظیر قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری بر شدت مجازات‌ها افزوده شده است. حرکت قوانین نیز به سوی استفاده‌ی بیشتر از جزای نقدی در کنار حبس بوده که با توجه به طبیعت جرایم اقتصادی و انگیزه‌های مرتکبین، اقدامی مثبت و شایسته است.

پیشنهادات

- در قانون منع مداخله‌ی کارکنان دولت در معاملات دولتی، ضرورت دارد تا در مقامات معاملات مشمول آن، توسط مقنن، تجدیدنظر صورت گیرد، و مصادیق مبهم، رفع گردد، و گرنه قضات ناچار از تفسیر به نفع متهم خواهند بود. با توجه به گذشت مدت زمان میدی از قوانین اقتصادی، تجدیدنظر در مجازات آن نیز حائز اهمیت است. خصوصاً آن که میزان مجازات قانونی، مؤثر در شمول مرور زمان هم خواهد بود. در بحث جرم پورسانت نیز به نظر می‌رسد بایستی میزان پورسانت در میزان مجازات مؤثر باشد.

- امروزه با توجه به رویکرد جدید جوامع و کشور ما به خصوصی‌سازی و اصل چهل و چهارم قانون اساسی و رشد بخش اقتصاد خصوصی، بسیاری از اموری که در اختیار بخش دولتی بوده، یا به بخش خصوصی واگذار شده و یا بخش خصوصی نیز در کنار بخش دولتی در آن زمینه فعالیت می‌نماید. بنابراین نیاز به جرم‌انگاری ارتشاء در بخش خصوصی را به شدت اجتناب‌ناپذیر می‌نماید، و اصلاح قوانین در این خصوص ضرورت دارد. اصلاح مقررات مربوط به ارتشاء و همچنین اخذ پورسانت و

۱- معاونت آموزش قوه قضاییه، انتشارات جاودانه، چاپ اول، تهران، ص ۶۹.

تسری آن به بخش خصوصی، علی‌الخصوص با وجود مزایای الحاق دولت ایران به کنوانسیون‌های سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرایم سازمان یافته‌ی فراملی و فساد مالی، یک ضرورت انکارناپذیر است.

- به روز نبودن قوانین کیفری در حوزه‌ی پیمان‌ها و معاملات دولتی، یکی دیگر از مشکلات موجود است. به نظر می‌رسد در خصوص جرایم اقتصادی و با توجه به تأثیرات عمیق این گونه جرایم بر امنیت و آسایش و اعتماد عمومی به دولت و همچنین تأثیر این گونه جرایم دارای ماهیت مالی در شکل‌گیری باند‌های بزهکاری و جرایم سازمان یافته، می‌بایستی در قالب انجام یک سلسله کارهای پژوهشی و کارشناسی، جرایم اقتصادی و قوانین و مقررات و جرم‌انگاری‌های مربوطه در یک مجموعه قوانین به نام قوانین مربوط به جرایم اقتصادی پیش‌بینی شود، و در همین مجموعه به رویکردهای بازدارنده و پیشگیرانه و نهاد متولی و مسئول نیز اشاره گردد.

- یکی از عوامل بسیار مؤثر در شکل‌گیری جرایم مرتبط با پیمان‌ها و قراردادهای دولتی، عدم بهره‌گیری از امکانات و تجهیزات نوین در عرصه‌ی معاملات دولتی است. با توجه به رشد روزافزون فناوری و لزوم دستیابی بخش‌های مختلف کشور به پیمانکاران مجرب داخلی و خارجی، ضرورت دارد دولت در راستای ایجاد رقابت، اقدامات لازمه را جهت گسترش تکنولوژی در بخش مزبور به عمل آورد.

- تقویت حرکت فناوری اطلاعات، ماشینی کردن عملیات دسترسی به اطلاعات و گردش صحیح آن در حوزه‌ی مزایده‌ها و مناقصه‌ها، پیگیری، راه‌اندازی و به کارگیری شبکه‌ی ملی اطلاع‌رسانی به منظور صرفه جویی در وقت و هزینه‌ی مناقصه‌گزاران، افزایش تعداد شرکت‌کنندگان در مناقصه‌ها با ایجاد فضای رقابتی به منظور کاهش چشمگیر قیمت‌های پیشنهادی و افزایش کیفیت ارائه‌ی خدمات و کالا، از موضوعات مهمی هستند که باید در دستور کار دستگاه‌های مناقصه‌گذار قرار گیرد.

- تسریع در آموزش نمایندگان دستگاه‌های اجرایی و الزام قانونی و مدیریتی به ثبت اطلاعات مربوط به معاملات دولتی در شبکه ملی اطلاع‌رسانی.

- ضرورت جمع‌آوری اطلاعات مربوط به شرکت‌کنندگان به منظور جلوگیری از بروز تبانی بین مناقصه‌گران (توافق بین مناقصه‌گران در تقسیم مناقصات دستگاه‌های مناقصه‌گزار در راستای حفظ منافعشان و زمینه‌سازی در جهت برنده شدن مناقصه‌گر طبق توافق قبلی).

- شناسایی و معرفی زمینه‌های ایجاد سوء جریان و فساد به ویژه علل بروز سوء جریان‌ها در پوشش اسناد و مدارک به ظاهر قانونی.

- رعایت دقیق قانون «حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی تولیدی و صنعتی و اجرایی کشور در

اجرای پروژه‌ها و ایجاد تسهیلات به منظور صدور خدمات» توسط دستگاه‌های اجرایی کشور.

- تفویض بیشتر اختیارات قانونی به ناظران دستگاه‌های نظارتی در برخورد با سوء جریان‌ها به منظور افزایش نقش پیشگیرانه‌ی این سازمان‌ها.

- آموزش مستمر دستگاه‌ها و نیروهای سازمان‌های درگیر با حوزه‌های برگزاری مناقصات و مزایده‌ها به صورت همایش، نشست‌های دوره‌ای (منطقه‌ای) و کارگاه‌ها و حرکت در تقویت آگاهی‌های عمومی از طریق رسانه‌ی ملی.

- تأکید بر انگیزه‌های مادی و معنوی پرسنل و نیروی انسانی درگیر در برگزاری مناقصات و مزایده‌ها.

- لحاظ کردن یافته‌های تجربه‌ی جهانی با توجه به شرایط و ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور و بر اساس چشم‌انداز اصل ۴۴ قانون اساسی در انتخاب روش تأمین کالا و خدمات، ضوابط شرکت‌کنندگان در مناقصه، دعوت به مناقصه و تسلیم پیشنهاد شرکت‌ها و ملاک‌های ارزیابی و واگذاری قراردادها.

فهرست منابع و مأخذ

الف) فارسی

- اسماعیلی هریمی، ابراهیم، مبانی حقوق پیمان، جاودانه، تهران، ۱۳۸۷.
- امامی، محمد، حقوق اداری، جلد اول، بنیاد حقوقی میزان، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۷.
- انصاری، ولی‌ا...، کلیات حقوق اداری، انتشارات بنیاد حقوقی میزان، تهران، ۱۳۸۹.
- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد نخست، نشر میزان، چاپ نوزدهم، بهار ۱۳۸۷.
- باقرزاده، احد، پول شویی، بنیاد حقوقی میزان، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۸.
- بوشهری، جعفر، حقوق جزا اصول و مسائل، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۹.
- باختر، سیداحمد، ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری در آیینہ قوانین و رویه قضایی، خرسندی، چاپ اول، ۱۳۸۷.
- باهری، محمد، تقریرات حقوق جزای عمومی، چاپ خانه‌ی برادران علمی، تهران، ۱۳۲۰.
- بازگیر، یدالله، کلاهبرداری، اختلاس و ارتشاء در آراء دیوان عالی کشور، نشر حقوقدان، ۱۳۷۶.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات بنیاد راستا.
- ترمینولوژی حقوق، گلشن، ۱۳۷۰.
- مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد پنجم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۸.
- جوانمردی صاحب، مرتضی، جهانی شدن حقوق، رساله دکتری، دانشکده حقوق دانشگاه تهران،

سال ۱۳۸۳.

- حبیب زاده، محمد جعفر، رژیم قانونی بودن حقوق کیفری عامل موثر در رشد و توسعه، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۲۳؛ ۱۳۷۷.

- حبیبی، یدا...، حقوق و قوانین معاملات دولتی، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۵.

- دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، جلد چهارم، تهران، شرکت چاپ افست گلشن، ۱۳۴۱.

- دوست‌طلب، غلامرضا، پایان‌نامه‌ی فوق لیسانس، ارتشا، اختلاس و تصرف غیر قانونی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۰.

- رنجبر، احمد، انتظارات مشروع در حقوق اداری، نشر میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۷.

- زراعت، عباس، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، انتشارات ققنوس، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۰.

- سازمان بازرسی کل کشور، مفهوم، رویکردها و روش‌های کنترل، ۱۳۸۵.

- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور؛ برنامه مبارزه با فساد و ارتقاء، سلامت در نظام اداری، تهران، ۱۳۸۴.

- سلیمی، صادق، جنایات سازمان یافته‌ی فراملی، انتشارات تهران صدا، بهار ۱۳۸۲.

- ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای اختصاصی، جرایم مالی علیه آسایش عمومی، نشر خیام، ۱۳۷۷، جلد ۵.

- شهری، غلامرضا و ستوده جهرمی، سروش، نظریات اداره‌ی حقوقی قوه‌ی قضاییه در زمینه‌ی مسایل کیفری، جلد اول و دوم، انتشارات روزنامه‌ی رسمی، ۱۳۷۵.

- شفایی، محسن، مقاله‌ی رشوه و اقسام آن، مجله‌ی کانون و کلا، شماره‌ی ۵۳ خرداد و تیر ۱۳۳۶.

- صدارت، علی، حقوق جزا و جرم‌شناسی، کانون معرفت تهران، ۱۳۴۰.

- صادقی مقدم، محمدحسن، تغییر در شرایط قرارداد، بنیاد حقوقی میزان، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۶.

- طاهری، محمدعلی، دانشنامه‌ی حقوق، محراب فکر، اول، تهران، ۱۳۸۴.

- طباطبایی مومنی، منوچهر، حقوق اداری، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ چهاردهم، تهران، ۱۳۸۷.

- طباطبایی، منوچهر، حقوق اداری، سمت، ۱۳۸۳.

- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، جلد اول، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۸.

- علی آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۳۴.
- قاضی، ابوالفضل (شریعت پناهی)، سیاست‌های حقوق اساسی، نشر میزان، چاپ چهاردهم، بهار ۱۳۸۳.
- قوه‌ی قضاییه، حقوق کار و اداری، انتشارات جاودانه، اول، تهران، ۱۳۸۷.
- قاسمی، ناصر، تقریرات درس جرم شناسی دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی، دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی ۷۰-۷۱.
- کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، شابک، چاپ چهارم، ۱۳۷۹.
- کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظام حقوقی کنونی، نشر دادگستر، چاپ اول، تابستان ۱۳۷۷.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم، ۱۳۷۶.
- کی‌نیا، مهدی، مبانی جرم‌شناسی، انتشارات دانشگاه تهران، اول، ۱۳۵۷.
- گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۸.
- لازرژ، کریستین، ترجمه نجفی ابرند آبادی، علی حسین، درآمدی بر سیاست جنایی، نشر میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۲.
- منتهی نژاد، صادق، حقوق کیفری مالی جرایم مالی علیه دولت، دیوان محاسبات کشور، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- معین، محمد، فرهنگ معین (فارسی)، زرین، تهران، ۱۳۸۶.
- مهاجری، علی و خانلری مشیری، عبدالرضا، جرایم شغلی کارکنان دولت، اول، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۸۸.
- میرمحمد صادقی، حسین، حقوق کیفری اختصاصی، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، نشر میزان چاپ نهم، تابستان ۱۳۸۶.
- منتسکیو، روح القوانین، ترجمه‌ی مهدی، علی اکبر، انتشارات امیرکبیر، چاپ هفتم، سال ۱۳۵۵.
- مظلومان، رضا، جرم‌شناسی (کلیات)، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۳.
- معتمد، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۱.
- موسی‌زاده، رضا، حقوق اداری (۱-۲)، نشر میزان، چاپ دهم، تهران، ۱۳۸۷.
- معظمی، شهلا، جرم سازمان یافته و راهکارهای جهانی مقابله با آن، چاپ اول، نشر دادگستری، پاییز ۱۳۸۴.
- مارتی، می‌ری‌الماس، ترجمه‌ی نجفی ابرند آبادی، علی حسین، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی،

- جلد نخست، نشر میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۱.
- معاونت آموزش قوه قضائیه، گزیده‌ای از پایان‌نامه‌های علمی قضات (امور حقوقی)، انتشارات جاودانه، چاپ اول، تهران.
- معاونت آموزش قوه قضائیه، بررسی جرایم مرتبط با کارکنان دولت، انتشارات جاودانه، چاپ اول، تهران.
- موسوی مقدم، محمد، پول شویی، کانون تبلیغاتی ط، نینوا، اول، قم.
- میرحسینی، سیدحسن، حقوق و تخلفات اداری، مؤسسه فرهنگی حقوقی سینا، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۸.
- متحدیان، رحیم، ارتقای سلامت اداری و مبارزه با فساد، مؤسسه‌ی راهبران توسعه، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۹.
- مدنی، سیدجلال‌الدین، حقوق اداری، جلد اول، انتشارات پایدار، اول، تهران، ۱۳۸۷.
- نوربها، رضا، زمینه‌ی حقوق جزای عمومی، نشر دادآفرین و گنج دانش، چاپ ششم، ۱۳۸۱.
- نظریات اداره‌ی حقوقی قوه‌ی قضائیه در زمینه‌ی مسائل کیفری، انتشارات روزنامه رسمی، ۱۳۷۵، جلد ۲.
- ب) عربی
- خویی، آیت‌الله سید ابوالقاسم، مبانی تکمله‌المنهاج، چاپ نجف اشرف عراق، مطبعه‌الاداب، جلد ۱.
- پاینده، ابولقاسم، نهج الفصاحه، جلد اول و دوم، سازمان چاپ و انتشارات جاویدان، چاپ هفتم، روایت ۱۶۸۰.
- نجفی، شیخ محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۲۲، چاپ بیروت، دارالاحیاء التراث، بحث رشوه.
- ج) وبگاه اینترنتی
- نبی، قاسمعلی، آسیب‌شناسی رشوه و رشوه‌خواری در نظام اداری، تاریخ ۱۳۸۹/۱/۱۶